



# عقاید یک خنداننده

بر نامه خندانده که

از اواخر اردیبهشت ماه امسال،

برای پنجمین فصل روی آنتن رفته و چهارشنبه

آنتن شبکه نسیم می‌رود، این شب‌ها برگزاری دومین دوره مسابقه

«خنداننده شو» را تجربه می‌کند. ۱۶ شرکت کننده به مرحله اصلی این

مسابقه راه پیدا کردند و تحت هدایت و راهنمایی چهار مربی «پانته‌آبهرام»،

«فرهاد آئیش»، «اشکان خطیبی» و «رامبد جوان»، در حال اجرا و پشت سر گذاشتن

مراحل مسابقه‌اند. تا امروز چهار نفر از دور رقابت حذف شده‌اند و ۱۲ جوان طناز و

خوش ذوق، دومین اجرای خودشان را ارائه دادند و منتظر رای مخاطبان هستند. تا این

جا، برخی شرکت کنندگان «خنداننده شو ۲» بیشتر از بقیه به دل ایرانی‌ها نشستند

و شاید یکی از دلایل این محبوبیت، دست گذاشتن این چهره‌های سوژه‌های ملموس

و کارپردی پیرامون، برای اجرای استندآپ کمدی‌شان است. هر چند همه‌مان واقف

هستیم و مجری و مربیان برنامه هم تاکید دارند «خنداننده شو» فقط فرصتی برای با هم

خندیدن است و تربیت کمدین‌هایی که چم و خم خنده گرفتن از مخاطب را یاد بگیرند.

خنداننده شو قرار است تمرینی باشد برای راحت خندیدن اما این وسط تعدادی از

شرکت کنندگان، کمدی و تلاش برای خندانیدن دیگران را فرصت مغتنمی برای

روایت سبک‌های مختلف زندگی در گوشه گوشه کشور، مان یا بیان انتقادات نرم

اجتماعی دانسته‌اند و از این فرصت، به‌خوبی بهره‌می‌برند. زندگی سلام امروز،

به عیار سنجی عملکرد این شرکت کنندگان در حوز هر روایت سبک زندگی

و نقد اجتماعی اختصاص دارد. با تاکید دوباره بر این که علت اصلی

انتخاب این شش شرکت کننده سوژه یابی آن‌ها از سبک

زندگی و رفتارهای فردی و اجتماعی مردم است

نه بهتر بودن در خندانند مخاطب.

تیزبین و گزنده

## «امیر حسین قیاسی»

**روایت سبک زندگی** امیر حسین قیاسی راه دشواری برای خندانند مخاطب انتخاب کرده

است. قیاسی که ملاحظت بقیه شرکت کنندگان را ندارد، به واسطه جسارتش که با نگاهی

تیزبین ترکیب شده، توانسته با بیان حقایقی از در دسرهای زندگی در پائین شهر، طنز تلخ

و گزنده اما دوست داشتنی اش را ارائه کند و با بیان نکاتی ناب، از مخاطب خنده بگیرد و

نبود آن نمک دانی در چهره و کلامش را همین خاص بودن طنزش جبران کند. سبک

زندگی مردم پائین شهر به خصوص طبقات کم‌توان و آسیب‌پذیر و تناقض آن با زندگی

دیگر طبقات جامعه، لحظات جالبی را برای مخاطب فراهم می‌کند. لحظاتی که مخاطب

هم‌زمان با خنده، به فکر فرو می‌رود.

**نقد اجتماعی** اما قیاسی که متشن را هم خودش می‌نویسد فقط به بیان

سبک زندگی مردم جنوب شهر اکتفا نکرده و در اجرای دوش با احتیاط وارد

فضای نقد پدیده‌هایی مثل رای گرفتن در انتخابات با غذا، استفاده شخصی

از اموال دولتی، لابی‌گری، فامیل بازی برخی مسئولان، پدیده‌های آفاده‌ها و

مواردی شد که بیانشان هنر می‌خواست. در شرایطی که بقیه شرکت

کننده‌ها ترجیح می‌دهند اگر با خط قرمز شوخی می‌کنند، آن

تابوشکنی بیشتر جنسی باشد قیاسی مسیر سخت‌تر را انتخاب

کرده که متناسفانه شاید به اندازه شوخی‌های جنسی، باز خورد

و رای نداشته باشد اما همین ورود قیاسی می‌تواند زمینه را

برای نقدهای جدی دیگران فراهم کند. در سری اول این

مسابقه فقط «رضا بهمنی» بود که کمابیش با بیان مشکلاتی

مثل آلودگی هوا و آلودگی نواح طنزش شده به اندازه نگاه تیزبینانه

اش هم رای‌ناور دوز و حذف شد. در این شرایط باید به انتظار

بشینیم و ببینیم مردم به کمدی ملموس و گزنده و بعضاً تلخ امثال

قیاسی‌رای می‌دهند تا مسیر برای چنین اجراهایی باز شود یا خیر؟

خنده گرفتن از مخاطب: ★★★★★



تکراری و کسالت‌آور

## «رضا نظری»

**روایت سبک زندگی** یکی از خاص‌ترین استندآپ کمدین‌های این دوره خنداننده شو از لحاظ نحوه

صحبت کردن و چهره، «رضا نظری» است. البته او در اجرای اول بسیار موفق‌تر به نظر می‌رسید و در

اجرای دوم، آن در خنک قبلی را نداشت که متن استفاده شده، مهم‌ترین نقش را در این زمینه بازی

کرد. موضوع استندآپ کمدی اول نظری، «از دواج» و موضوع اجرای دومش «استفاده از وسایل حمل

و نقل عمومی» بود. او در استندآپ اول که یک جورهایی در حوزه سبک زندگی می‌گنجید، مشکلات

خودش را برای از دواج مطرح کرد و از سختی‌های از دواج کردن در شرایط فعلی کشور گفت. هر چند

در این زمینه هیچ حرف تازه و جذابی نزد به چند شوخی تویتری اکتفا کرد، به‌طور مثال تنها آمادگی

اش برای از دواج را داشتن شناسنامه عنوان کرد که یک شوخی دم‌دستی و به شدت تکراری است.

**نقد اجتماعی** رضا نظری در اجرای دومش، دست‌روی سبک سوژه اجتماعی

گذاشت و از ضرورت توجه مردم به وسایل حمل و نقل عمومی گفت. ورود او

بایک دو چرخه قدیمی به سالن اجرا، حال و هوای نوستالژی بازها را تغییر

داد و به عنوان حرکتی خلاقانه به چشم آمد. موضوع استندآپ دوم

«نظری» اجتماعی بود اما نقدهایش بسیار سطحی و بدون

هیچ حرف جدیدی بود. «نظری» در پرداختن به موضوع

حمل و نقل عمومی هم بسیار ضعیف عمل کرد و فقط به

شلوغ بودن مترو و بود دادن دهان مسافران اشاره کرد.

نکاتی که هر چند یک جورهایی نقد اجتماعی محسوب

می‌شود اما آن قدر شنیدن‌شان برای مردم تکراری

شده که تاثیر و فایده‌ای نخواهد داشت. در این بین،

مردم هم کمتر به این شوخی‌ها خواهند خندید و به

نظر می‌رسد که «نظری» یکی از حذف شدگان این

مرحله باشد.

خنده گرفتن از مخاطب: ★★★★★



منفعل اما با مزه

## «علی صبوری»

**روایت سبک زندگی** «علی صبوری» یکی از بهترین استندآپ کمدین‌های خنداننده شو ۲ از گروه

«فرهاد آئیش» است و با تعریف‌های رامبد جوان در برنامه که او را رضا عطاران بعدی ایران از نظر

بهره‌وز افخمی نامید، نگاه‌ها به او معطوف شد. از مهم‌ترین ویژگی‌های اجرای «صبوری» این است که

دوربین را می‌شناسد و از آن نمی‌ترسد. او با اعتماد به نفس روی صحنه می‌آید و شمارا با ترنندهای

کلامی، زبان بدن و استفاده از تکنیک‌های فردی اش وادار به خندیدن می‌کند. او در هر دو استندآپ

خودش به سراغ دو موضوع کاربردی «از دواج» و «پیدا کردن شغل مناسب» رفت که بارها توسط

استندآپ کمدین‌ها به آن‌ها پرداخته شده اما اجرای جذاب، متن‌های جالب و استفاده اصولی از

زبان بدن باعث شده تا مخاطب با او ارتباط خوبی برقرار کند. او هر چند در برنامه اولش، بارها به دلیل

خندیدن مجبور به توقف اجراش شد اما مخاطب به خاطر کاریزماتیک بودن شخصیتش این موضوع

را پذیرفت و به او رای داد.

**نقد اجتماعی** او در این زمینه، قدمی برداشته و ظاهر مهم‌اکنون به

این مسئله فکر نمی‌کند. بیشتر شوخی‌های «صبوری» فقط خنده

دار هستند و به دلیل استفاده به موقع از اصل غافلگیری، مخاطب

جذب اجرای او می‌شود. ضمن این که شوخی او درباره این که پدرش،

وی را فرزند خودش نمی‌داند و معتقد است که او در بیمارستان

با کودک دیگری عوض شده، باعث احساس همدردی

خنده‌دار مخاطب با وی می‌شود. هر چند که «صبوری»

در هر دو اجراش، موضوعاتی اجتماعی انتخاب کرد

اما به نقد این موضوعات نپرداخت. او فقط به زبانی

طنز، داستان‌هایی را تعریف کرد که یک روایت معمولی

اجتماعی محسوب می‌شود.

خنده گرفتن از مخاطب: ★★★★★



حرکت بین فانتزی و اجتماعی

## «ابوطالب حسینی»

**روایت سبک زندگی** ابوطالب حسینی در اجرای اولش سراغ یک گلوگاه مهم در فرهنگ و سبک

زندگی ما ایرانی‌ها رفت یعنی تعارف‌های بی‌جا و بی دلیل که باعث می‌شود زندگی به خودمان و

دیگران سخت شود. ماجرای یک ظرف غذا که تاکید دو خانواده بر پرس دادن آن باعث شد سند

خانه‌هایشان را هم به نام هم‌بزند اغراق داشت اما کمدی از دل همین بزرگنمایی‌ها شکل می‌گیرد

و با مزه می‌شود. اما اصل انتخاب سوژه و تکیه کلام‌های ابوطالب همگی نشان می‌داد خوب در دل

ماجر او این رفتار اجتماعی ما ایرانی‌ها قرار دارد. اما اجرای دوم ابوطالب هر چند مورد توجه داوران

و حاضران در استودیو قرار گرفت، به شدت فانتزی بود و در دنیایی سیر می‌کرد که منطقی با زندگی

ما تناسبی ندارد.

**نقد اجتماعی** از دل اجرای اول ابوطالب حسینی خنده و نقد اجتماعی

هر دو با هم بیرون می‌آمد اما وقتی پای مسابقه در میان باشد و نفر اول

دور نخست یعنی صبوری، بایک کمدی کمتر اجتماعی بیشترین رای

را تصاحب کرده باشد عجیب نیست که سمت و سوی اجرای بقیه متأثر

از باز خورد‌های دور اول، آرای مردم به نفر نخست و فشار مربی

ها به سمتی برود که نتیجه‌گرایی در آن بشود فاکتور اصلی.

برای همین است که ابوطالب ماجرای مهاجرت به استرالیا

و دیدار با ارواح و حتی حضور در بین قبیله آدمخوارها را به

هم وصل می‌کند تا مخاطب را بختاند. ابوطالب در هر

دو اجراش موفق بود اما اجرای اولش یعنی نقد فرهنگ

تعارف انگار روایتی بود از زندگی خیلی از ما. از جامعه‌ای

که دیگران و نیروهای اجتماعی موثر بر آن، رفتار افراد را

شکل می‌دهند؛ برای همین آدم‌ها بدون این که بدانند

چرا، تن به رفتارهای عجیب می‌دهند.

خنده گرفتن از مخاطب: ★★★★★



شیرین و دلنشین

## «ساره رشیدی»

**روایت سبک زندگی** موفق‌ترین شرکت کننده «خنداننده شو» در زمینه ارائه روایتی تروتازه از

سبک زندگی مردم شهری که همواره خلق و خوی‌شان دستمایه طنزهای با مزه بوده، ساره رشیدی

است. دختری شیرازی که مشاهده دقیق رفتار و آداب و اخلاق و ارتباطات همشهریان به اضافه

شیرینی و ملاحظت ذاتی اش، به روایت ماجراهایی شنیدنی از شیرازی‌های خوشحال و نحوه

مواجهه‌شان با فرهنگ‌ها و سبک‌های دیگر زندگی، منجر شده. او ابتدای هر دو اجرا، تاکید می‌کند

که ما شیرازی‌ها تنبل نیستیم، فقط زندگی را آسان می‌گیریم و نمودهای این آسان‌گیری را به

خنده‌دارترین شکل ممکن، روایت می‌کند. مادری که پستانک بچه را به یک بادکنک هلیومی گره

زده تا مدام روی زمین نیفتد و احتیاج به شستن نداشته باشد، دایمی و مادری که حتی وقت دعوا به

خودشان و اعصاب و لحنشان فشار نمی‌آورد، فامیلی که همیشه و هر لحظه آماده رفتن به جشن

و سفر و مهمانی هستند و مردمی که برای هیچ چیز، هیچ عجله‌ای

ندارند، تعدادی از شوخی‌های با مزه ساره برای شناساندن بیشتر

و بهتر سبک زندگی شیرازی‌ها به تمام مردم ایران است. کاری که

در کنار استفاده صحیح از لحن و لهجه، حساسی محبوب و پرطرفدار

شده است. هر چند در زمینه خنده گرفتن از مربیان و مخاطبان،

چندان موفق نشده، در لحظه اجرا، مشغول هضم

ماجرهای پرآب و تاب و سوئیچ کردن‌های مداومش روی لحن‌های

گونگون به جای شخصیت‌های مختلف هستند.

**نقد اجتماعی** ساره در این حوزه، حرکت قابل توجهی نداشته

است. انگار او آگاهانه انتخاب کرده شیرین و دلنشین باشد،

نه تلخ و گزنده. هنر و مهارتی که شیرازی‌ها به آن معروف

اند؛ غنیمت شمردن لحظه و غصه نخوردن برای مشکلات

احتمالی آینده. او حتی اگر دو جور خلق و خواز دو شهر و دو

ناحیه کشور را مقایسه می‌کند، به هیچ‌کدام برتری نمی‌دهد

و نقدی به هیچ‌کدام ندارد.

خنده گرفتن از مخاطب: ★★★★★



منصف و باهوش

## «آیت بی غم»

**روایت سبک زندگی** آیت در دو قسمت استندآپش، دو اجرای کاملاً متفاوت داشت. در قسمت اول

با فیزیک بدنی خودش شوخی کرد؛ شوخی‌هایی که کسی را غافلگیر نکرد و با وجود با مزگی، جنس

جدیدی از کمدی محسوب نمی‌شد. در قسمت دوم اما دست گذاشت روی یک مسئله اجتماعی و شکل

اجرایش هم نه شبیه کس دیگری بود و نه شبیه به اجرای قبلی خودش. او فحاشی در فضای مجازی را،

به عنوان سوژه انتخاب کرد؛ معضلی که معلوم نیست کی و چطور می‌شود راهی برای حلش پیدا کرد.

**نقد اجتماعی** اجرای اخیر آیت نشان می‌دهد که او، استندآپ را وسیله‌ای می‌داند برای بیان دغدغه‌ها

و آسیب‌های اجتماعی؛ شیوه‌ای که خنده گرفتنش تضمینی است اما نه لزوماً وقتی تیغ نقد مستقیماً خود

مارا نشان می‌رود. وقتی شخص مورد انتقاد، یک مقام مسئول است شوخی کردن با او دلمان را خنک

می‌کند اما اگر عیب‌های خودمان جلوی چشممان آورده شود، هم‌زمان با خندیدن کمی هم بهمان

برمی‌خورد. آیت این ریسک را به جان خرید اما برای گارد ایجاد نکردن،

خودش را هم بردتوی تیم بداخلاق‌های مجازی: «ما خیلی با فرهنگ

هستیم اما همه‌مان آدم‌رو اعصابی در زندگی داریم که دلمان می‌خواهد

بهش فحش بدهیم»، آیت، از حسادتش به خوش‌تیپ‌ها و عقده‌اش نسبت

به پولدارها گفت تا مثل یک آسیب‌شناس، دلایل بی ادبی در شبکه‌های

اجتماعی را جست‌وجو دسته‌بندی کند. او اعتراف کرد با اکان

فیک به دیگران فحش می‌دهد تا بگوید اسم و فامیل نقلی،

نقاب‌ی برای فحاشی نیست بلکه ادای آدم‌های یاداب و

بافهنگ را در آوردن در دنیای واقعی، نقابی است برای

پوشاندن کینه‌ها و حسادت‌ها و بی اخلاقی‌ها. اجرای اول

آیت، خند و تشویق‌های بسیاری از طرف مخاطب‌های

استودیو گرفت؛ خندیدن و گفت‌زدن هم‌زمان اما اجرای

دوم کمتر اتفاق افتاد، او در این اجرا بیشتر تشویق دریافت

کرد. به این دلیل که مخاطب دریافت به‌آنها چه می‌شود،

بیشتر برای فکر کردن است تا خندیدن.

خنده گرفتن از مخاطب: ★★★★★

